

برگرفتن راه حیات در بازیابی خداوند

مطالعه متون مقدس: روت ۱: ۱۶-۱۷، ۲۰-۲۱؛ ۲: ۱۰-۱۶؛ ۳: ۱، ۷-۱۳؛ ۴: ۹-۱۵؛ متی ۷: ۱۳-۱۴

۱. این سه کتاب یوشع، داوران و روت یک تصویر روشن از دو جنبه حرکت خدا را ارائه می‌دهند: حرکت او در روح اقتصادی او، [یعنی] روح قدرت، و حرکتش در روح ذاتی او، [یعنی] روح حیات - داوران ۱۳: ۱۴؛ ۲۵: ۶؛ یوحنا ۲۰: ۲۲؛ اعمال ۱: ۸؛ رومیان ۸: ۲:

آ. با یوشع، کالیب، و همه داوران، ما حرکت خدا را در قدرت می‌بینیم، که توسط شمشون به عنوان کسی که در روح قدرت و نه در روح حیات حرکت می‌کرد، به تصویر کشیده شده است - داوران ۱۴: ۶.

ب. در مقایسه، کتاب روت، کتابی از حیات است؛ مقصود این کتاب این نیست که به ما چیزی درباره قدرت بگوید بلکه [مقصود این است که] چیزهای حیات را با استفاده از نَعومی، روت، و بوغز به عنوان مثال، کاملاً آشکار سازد - روت ۱: ۱۶-۱۷، ۲۰-۲۱؛ ۲: ۱۰-۱۶؛ ۳: ۱، ۷-۱۳؛ ۴: ۹-۱۵.

پ. در بازیابی خداوند، ما نباید راه داوران را برگزیریم تا قدرتمند بوده و کاری بزرگ انجام دهیم؛ اگر ما به جای راه حیات، راه قدرت را برگزیریم، هر چه به انجام برسانیم معنایی نخواهد داشت.

ت. برای ما بسیار مهم است ببینیم که فقط حیات می‌تواند مسیح را بوجود آورد - لوقا ۱: ۳۵:

۱. فقط حیات می‌تواند خدا را به درون انسانیت آورده، مسیح را تولید کرده، مسیح را ارائه دهد،

و کل نسل بشر را با مسیح تأمین نماید - متی ۱: ۱۸، ۲۰-۲۱.

۲. این توسط روت و بوغز، اشخاص حیات که راه حیات را برگرفتند، به انجام رسید.

۲. بر طبق ذات الهی و جاودان حیات خدا، حیات خدا یگانه حیات است؛ فقط حیات خدا می‌تواند حیات محسوب شود - یوحنا ۱: ۴؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۱: ۲۵؛ ۱۴: ۶:

آ. حیات اسرارآمیز است، زیرا حیات، خود خداست - ۱: ۱، ۱۴؛ ۵: ۲۶؛ افسسیان ۴: ۱۸:

۱. حیات الهی را می‌توان به عنوان اولین و اساسی‌ترین خصوصیت خدا در نظر گرفت -

افسسیان ۴: ۱۸؛ یوحنا ۵: ۲۶؛ اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۲؛ رومیان ۸: ۲.

۲. حیات محتوای خدا و جریان یافتن خداست؛ محتوای خدا، وجود خداست، و جریان یافتن

خدا، بخشیدن خودش به عنوان حیات به ماست - افسسیان ۴: ۱۸؛ مکاشفه ۲۲: ۱.

۳. حیات خداست، و حیات، مسیح است که در ما زندگی کرده و از طریق ما زیست می‌کند -

یوحنا ۱۴: ۶؛ کولسیان ۳: ۴؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ فیلیپیان ۱: ۲۱.

۴. حیات روح القدس است - یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷؛ اول قرنتیان ۱۵: ۴۵؛ رومیان ۸: ۲؛ دوم

قرنتیان ۳: ۶.

۵. حیات خدای سه‌یکتای پروسه دیده و کامل است که درون ما توزیع شده و در ما زندگی می‌کند

- یوحنا ۱: ۱۴؛ ۷: ۳۷-۳۹؛ ۲۰: ۲۲؛ رومیان ۸: ۱۰، ۶، ۱۱.

ب. مقصود خدا از آفریدن انسان به صورت و مشابه خود [خدا] این بود که انسان خدا را به عنوان

حیات دریافت کند تا انسان بتواند انسان حیات، یعنی خدا-انسان شده، خدا را در خواص او ابراز

کند - پیدایش ۱: ۲۶؛ ۲: ۹.

۳. ما باید مفهوم درخت دانش خوب و بد را دانسته و به طور مطلق از این درخت به سوی درخت حیات بازگردیم - آ. ۹، ۱۶-۱۷.

آ. درخت حیات حاکی است از خدای سه‌یکتا در مسیح برای توزیع خودش به شکل غذا در درون

مردم برگزیده‌اش - آ. ۹.

ب. عهد جدید فاش می‌کند که مسیح تحقق تصویر درخت حیات است - یوحنا ۱: ۱، ۴، ۱۴؛ ۱۱:

۲۵؛ ۱۴؛ ۶؛ ۱۵؛ ۱؛ ۵:

۱. درباره مسیح، یوحنا ۱: ۴ می‌گوید: «در او حیات بود»؛ این اشاره دارد به آن حیات که توسط درخت حیات نشان داده می‌شود.

۲. آن حیات که در پیدایش باب ۲ نشان داده شده، همان حیاتی است که در مسیح جسم پوشید - اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۲؛ یوحنا ۱: ۱، ۴، ۱۴.

۳. اگر ما یوحنا ۱: ۴ و ۱۵: ۵ را کنار هم بگذاریم، پی خواهیم برد که مسیح، که خودش حیات و نیز تاک است، همان درخت حیات می‌باشد.

پ. درخت دانش خوب و بد نشانگر شیطان به عنوان منشأ مرگ برای انسان است - عبرانیان ۲: ۱۴:

۱. درخت دانش خوب و بد همچنین نشانگر همه چیز غیر از خداست.

۲. هرآنچه که خود خدا نباشد، از جمله چیزهای خوب و حتی چیزهای بر طبق کتاب مقدس و مذهبی، می‌تواند توسط شیطان، همان مکار، به کار گرفته شود تا مرگ را به درون کلیسا آورد - متی ۱۶: ۱۸؛ امثال ۱۶: ۲۵؛ ۱۸: ۲۱.

ت. در یوحنا ۴، ۸، ۹ و ۱۱ چهار مورد هست که اصل حیات در مقابل خوب و بد را به تصویر می‌کشد.

۱. ما نباید به خوب و بد بلکه به حیات توجه کنیم - یوحنا ۴: ۱۰-۱۴، ۲۰-۲۱، ۲۳-۲۴؛ ۸: ۳-۹؛ ۹: ۱-۳، ۱۱؛ ۲۰-۲۷.

۲. بهترین راه برای تشخیص یک مورد، تشخیص دادن بر طبق حیات و مرگ، نه بر اساس درست و غلط یا خوب و بد، است - رومیان ۸: ۶؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۳.

۴. مسیح حیات ماست - کولسیان ۳: ۴:

آ. حیات خدا، حیات مسیح است، و حیات مسیح، حیات ما شده است - آ. ۴؛ یوحنا ۵: ۲۶:

۱. برای اینکه مسیح حیات ما باشد بدین معناست که او برای ما بی‌نهایت باطنی است - ۱: ۴؛ ۱۴: ۱۶؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۰: ۱۰؛ اول قرنتیان ۱۵: ۴۵؛ رومیان ۸: ۱۰، ۶، ۱۱.

۲. یک شخص را از حیات آن شخص جدا کردن غیر ممکن است، زیرا حیات یک شخص، خود آن شخص است؛ از این رو، گفتن اینکه مسیح حیات ماست بدین معناست که مسیح تبدیل به ما شده و ما با او دارای یک حیات و زیستن هستیم - یوحنا ۱۴: ۱۶؛ فیلیپیان ۱: ۲۱.

ب. آن حقیقت که مسیح حیات ماست یک نشانه قوی است که ما باید او را به عنوان حیات برگرفته و در زندگی روزانه خود او را زیست کنیم - کولسیان ۳: ۴؛ یوحنا ۶: ۵۷:

۱. مسیح باید حیات ما به طور عملی و تجربی باشد؛ روز به روز ما باید در حیات او نجات یابیم - کولسیان ۳: ۴؛ اول قرنتیان ۱۵: ۴۵؛ رومیان ۵: ۱۰.

۲. انسان نو همان نتیجه خودبخود از برگرفتن مسیح به عنوان حیاطمان و زیستن اوست - کولسیان ۳: ۳-۴، ۱۰-۱۱.

۵. دوره ممکن وجود دارد برای زیستن و کار ما در برابر خدا - راهی که به حیات و راهی که به هلاکت منجر می‌شود - متی ۷: ۱۳-۱۴:

آ. به جهت برگرفتن راهی که منجر به حیات می‌شود، ما باید از در تنگ داخل شده و سپس در راه سخت گام برداریم - آ. ۱۳-۱۴:

۱. در تنگ نه تنها به رفتار ظاهری بلکه به انگیزه درونی نیز رسیدگی می‌کند.

۲. انسان کهنه، نفس، جسم، افکار انسان، و دنیا با جلالش جملگی [از داخل شدن] محروم هستند، فقط آنچه با اراده خدا مطابقت دارد می‌تواند داخل شود - آ. ۲۱؛ ۱۲: ۵۰.

۳. ما اول باید توسط در تنگ داخل شده و سپس در راه سخت گام برداریم، راهی که برای تمام عمر بوده و به حیات منجر می‌شود - ۷: ۱۴.

۴. کلمه «حیات» در متی ۷: ۱۴ اشاره دارد به وضع همواره-مبارک پادشاهی، که سرشار از حیات جاودان خداست؛ این حیات، امروز واقعیت پادشاهی بوده و در عصر آینده، در ظهور پادشاهی خواهد بود - ۱۹: ۲۹؛ لوقا ۱۸: ۳۰.

ب. راه عریض بر طبق سازمان دنیوی است، ذائقه طبیعی انسان را جهت کسب جماعت، حفظ شغل، و پیشرفت کار و کاسبی راضی می‌کند؛ هلاکت که راه عریض به آن منتهی می‌شود، نه به هلاک شدن یک شخص بلکه به نابودی اعمال و کارهای یک شخص اشاره دارد - اول قرن‌تین ۳: ۱۵؛ متی ۱۳: ۳۱-۳۳؛ مکاشفه ۲: ۱۳، ۲۰؛ ۱۷: ۴-۵.

پ. راه بازپایی خداوند همان راه حیات است که به پاداش زنده حیات در اظهار پادشاهی آسمان در عصر آینده منجر می‌شود - مزامیر ۱۶: ۱۱؛ ارمیا ۲۱: ۸؛ متی ۱۹: ۲۹؛ لوقا ۱۸: ۳۰؛ اول قرن‌تین ۳: ۱۳-۱۵؛ ۱۵: ۵۸.

۶. ما باید توسط حس حیات زندگی کنیم - [یعنی] آن حس و آگاهی از حیات جاودان در درون ما - رومیان ۸: ۶؛ افسسیان ۴: ۱۸-۱۹:

آ. منشأ حس حیات، حیات الهی، قانون حیات، روح القدس، مسیح ساکن در ما، و خدا که در ما عمل می‌کند است - رومیان ۸: ۲، ۱۰-۱۱؛ فیلیپیان ۲: ۱۳.

ب. حیات الهی بالاترین حیات است با غنی‌ترین، قوی‌ترین، و حساس‌ترین حس؛ این حس، حس حیات است - افسسیان ۴: ۱۸.

پ. حس حیات ما را هدایت، حکمرانی، کنترل و راهنمایی کرده، باعث می‌شود بدانیم که آیا در حیات الهی زیست می‌کنیم یا در حیات طبیعی و آیا در جسم زندگی می‌کنیم یا در روح - رومیان ۸: ۶.

۷. ما باید بر حمله مرگ به کلیسا پیروزمند بوده و بدن مسیح را در حیات رستخیز مسیح بنا کنیم - متی ۱۶: ۱۸؛ یوحنا ۱۱: ۲۵؛ افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۴: ۱۶:

آ. با حیات رستخیز مسیح در روحمان، ما می‌توانیم بر حمله مرگ به کلیسا پیروزمند باشیم - متی ۱۶: ۱۸؛ اعمال ۲: ۲۴؛ دوم تیموتائوس ۱: ۱۰:

۱. از [زمان] عدن به بعد، ستیز خدا با شیطان درباره مرگ و زندگی بوده است - رومیان ۸: ۶، ۱۰-۱۱؛ عبرانیان ۲: ۱۵.

۲. متی ۱۶: ۱۸ به ما نشان می‌دهد که حمله به کلیسا از چه منشأی خواهد آمد - "دروازه‌های هاویه،" یعنی مرگ؛ کار ویژه شیطان گسترش مرگ در درون کلیساست، و بزرگترین ترس او در رابطه با کلیسا مقاومت کلیسا در مقابل قدرت مرگ از جانب اوست - مکاشفه ۲: ۸، ۱۰-۱۱.

ب. ما باید روحمان را تمرین دهیم برای بناسازی بدن مسیح در حیات رستخیز مسیح - افسسیان ۲: ۶، ۲۲-۲۳؛ ۴: ۱۶؛ مکاشفه ۱: ۱۸؛ ۲: ۸؛ فیلیپیان ۳: ۱۰:

۱. ذات کلیسا به عنوان بدن مسیح همان رستخیز است، و واقعیت رستخیز، مسیح به عنوان روح حیات بخش است - یوحنا ۱۱: ۲۵؛ اعمال ۲: ۲۴؛ افسسیان ۱: ۱۹-۲۳؛ اول قرن‌تین ۱۵: ۴۵ ب.

۲. وقتی ما توسط حیات الهی درونمان زیست می‌کنیم، یک زندگی در رستخیز را برای بناسازی بدن مسیح زیست می‌نماییم - فیلیپیان ۳: ۱۰-۱۱؛ افسسیان ۴: ۱۵؛ کولسیان ۲: ۱۹؛ ۳: ۱۵.

۸. «ما می‌دانیم که از مرگ به زندگی منتقل شده‌ایم، زیرا برادران را محبت می‌کنیم» - اول یوحنا ۳: ۱۴:

آ. مرگ از ابلیس، دشمن خدا، شیطان بوده، با درخت دانش خوب و بد نشان داده شده و موجب مرگ می‌شود - پیدایش ۲: ۹، ۱۷.

ب. حیات از خداست که منشأ حیات بوده، با درخت حیات نشان داده شده و به حیات منجر می‌شود
- آ.آ. ۹، ۱۶-۱۷.

پ. مرگ و حیات نه تنها از دو منشأ یعنی شیطان و خدا هستند؛ آنها دو جوهر، دو عنصر و دو
محدوده نیز هستند - یوحنا ۵: ۲۴.

ت. منتقل شدن از مرگ به حیات، منتقل شدن از منشأ، جوهر، عنصر و محدوده مرگ به درون
منشأ، جوهر، عنصر و محدوده حیات است؛ این امر زمانی رخ داد که تولد تازه یافتیم - اول یوحنا
۳: ۱۴؛ یوحنا ۳: ۳، ۵، ۱۵.

ث. می‌دانیم - یک حس آگاهی درونی داریم - که از مرگ به حیات منتقل شده‌ایم، زیرا برادران را
محبت می‌کنیم، محبت (محبت خدا) نسبت به برادران اثباتی قوی برای این مورد است - اول
یوحنا ۳: ۱۴:

۱. ایمان در خداوند راه منتقل شدن ما از مرگ به حیات است؛ محبت به برادران اثبات این
است که ما از مرگ به حیات منتقل شده‌ایم - یوحنا ۵: ۲۴؛ اول یوحنا ۳: ۱۴.

۲. ایمان داشتن، دریافت حیات جاودان است؛ محبت کردن، زیستن توسط حیات جاودان و
ابراز آن است - یوحنا ۳: ۱۵، ۳۶؛ اول یوحنا ۳: ۱۱، ۱۴-۱۸؛ ۴: ۷-۱۲، ۱۶، ۱۹-۲۱.